



## نقش آموزشهای مهارتی و اشتغال زایی با رویکردی نوین در جوانان با استفاده از مدل آموزش کار آفرینی KAB و مقایسه با مدل خوشه ای توسعه کار آفرینی

(مطالعه موردی: جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرین و غیرکارآفرین مراکز آموزش فنی و حرفه ای شهرستان اراک)

محمد جهانگیری<sup>۱</sup>

محمد رضا آقاجانی<sup>۲</sup>

مهتاب عشقی عراقی<sup>۳</sup>

محراب رئیسیان<sup>۴</sup>

احمد رضا واثق<sup>۵</sup>

زینب شکوهی<sup>۶</sup>

### چکیده

این تحقیق با هدف اصلی بررسی نقش آموزشهای مهارتی و اشتغال زایی در جوانان با رویکردی نوین و با به کارگیری مدل آموزش کار آفرینی KAB و مقایسه با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی است که گامی مهم در جهت خود اشتغالی و ایجاد بنگاه های کسب و کار برای جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرین مراکز آموزش فنی و حرفه ای شهرستان اراک و همچنین آماده سازی آنها برای کارکردن موثر در بنگاه های کسب و کار کوچک و متوسط، توسعه نگرش مثبت آنها نسبت به این مدل و به بنگاه های کسب و کار و خود اشتغالی است که با استفاده از روش توصیفی همبستگی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل 120 نفر کارآموختگان کارآفرین و غیرکارآفرین مراکز آموزش فنی و حرفه ای و 92 نفر جوانان و دانش آموختگان دانشگاهی شهرستان اراک محاسبه و از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای برای انتخاب نمونه استفاده گردید. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پایایی پرسشنامه 0/89 از طریق آلفای کرباخ بدست آمد، در تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق از شیوه های توصیف آماری از قبیل: جداول توزیع فراوانی، شاخصهای مرکزی و شاخصهای پراکندگی و در بخش استنباطهای آماری از روش آزمون میانگین رتبه ای خی دو و کای مربع برای بررسی فرضیات تحقیق استفاده شده است. و نتایج نشان داد که: دانش و مهارت آموزی کسب شده در عمل در مرحله اول در مدل آموزش کارآفرینی KAB کاربرد دارد در مرحله بعد در مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی کاربرد دارد. بین دانش و مهارت آموزی کسب شده در عمل در مدل آموزش کارآفرینی KAB و در مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی همبستگی مثبت وجود دارد.

1. معاون آموزش و پژوهش و برنامه ریزی اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان مرکزی،

M.JAHANGIRI90@yahoo.com, 09183635018

2. سرپرست مرکز آموزش عالی علمی کاربردی جهاد دانشگاهی نیم ور، معاونت فناوری مرکز رشد واحدهای فناوری محلات و نیم ور،

m.aghajani29@gmail.com, 09181616635

3. پژوهشگر برتر سال 94، مدرس دانشگاه، 09181606053، mahtab.eshghiaraghi@yahoo.com

4. رئیس هیئت مدیره شرکت مهندسی نیکان نیرو صنعت ساری، 09118515915، mehrabraeesian@yahoo.com

5. کارشناس عالی آموزش، اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان مرکزی، 09183496722، arv\_1390@yahoo.com

6. لیسانس مدیریت. مدیر آموزشگاه فنی و حرفه ای آزاد دهکده حساب آموزش ساری

کلید واژگان: آموزش های مهارتی، کارآفرینی، اشتغال زایی، مدل آموزشی کارآفرینی KAB، مدل خوشه ای کارآفرینی

**The role of skills training and employment with a new approach among the youth by KAB entrepreneurship education model and comparison with cluster model of entrepreneurship development  
(Case study: the youth, graduates, entrepreneurs and non-entrepreneurs of Technical and vocational training centers)**

**Mohammad jahangiri  
Mohammadreza aghajani  
Mehrab raeesian  
Mahtab eshghiaraghi  
Ahmadreza vasegh**

**Abstract**

This study aimed to examine the role of skills training and employment among the youth through a new approach and using the KAB entrepreneurship education model and comparison with cluster model of entrepreneurship development that is taking steps towards self-employment and business enterprises for the youth, graduates, professional entrepreneurs of Technical and vocational training centers in Arak city and preparing them to work productively in small and medium-sized Enterprises, and also Developing positive attitudes towards enterprise and self-employment using descriptive correlation methods. The population was consisted of 120 professional entrepreneurs and non-entrepreneurs of Technical and vocational training centers and 92 graduates in Arak city. Stratified random sampling was used to select samples. Cochran formula was applied to determine sample volume. For collecting data, a researcher-made questionnaire was used. Reliability was 0.89 and obtained by Cronbach's alpha. In order to analyze the research findings, statistical descriptive methods such as frequency distribution, dispersion and central indices are used. Besides, for the statistical inferences, chi-square test and the chi-square average rating are used to examine the hypotheses. The results showed that: in the first step, acquired knowledge and training skills are functional in KAB entrepreneurship model, while in the second step, they are functional in cluster model of entrepreneurship development. There is a positive correlation between acquired knowledge and training skills in KAB entrepreneurship model and cluster model.

**Keywords:** skills training, entrepreneurship, employment, KAB entrepreneurship education model, entrepreneurship cluster model

**مقدمه**

کشورهایی که نیروی کار ماهر دارند و سیاست رشد را انتخاب کرده اند، سرمایه گذاری آنها در توسعه مهارت ها، به افزایش اشتغال کمک کرده است. شواهد نشان می دهد افزایش آموزش های صحیح می تواند بیکاری را کاهش دهد. (جونز و انگلیش<sup>1</sup>، 2005) طی مطالعه خود اظهار داشته اند که با آموزش کارآفرینی می توان اعتماد به نفس و دانش و مهارت دانشجویان را افزایش و آنها را برای راه اندازی کسب و کار توانمند ساخت. آموزش کارآفرینی به جوانان انگیزه می دهد تا درباره ی کارآفرینی و نقش مجموعه ی کسب و کار در توسعه ی اقتصادی و اجتماعی کشور تفکر و تامل کنند و به فراگیران فرصت می دهد تا تغییرات حاصله را در کشور خود تجزیه و تحلیل کنند و خود اشتغالی و ایجاد موسسات را به عنوان گزینه ی شغلی خود در نظر

---

<sup>1</sup> . Jones, C., and English, J

بگیرند و مورد توجه قرار دهند. ( جونز<sup>۱</sup>، 2005) امروزه کارآفرینی به عنوان ابزار مهم تولید شغل و کاهش میزان بیکاری نزد کارشناسان و سیاستگذاران کشوراهمیتی فزاینده یافته است. کارآفرینان نقشی اساسی در توسعه اقتصادی و تحولات اجتماعی هر جامعه دارند. جوامع توسعه یافته پیشرفت خود را بیش از هر چیز مدیون کارآفرینان خلاق، مطلع و جسوری هستند که توانسته اند ایده های خلاق خود را به واقعیت تبدیل کرده و با پشت سر گذاشتن مشکلات متعدد صبورانه و مدیرانه گام به گام برنامه های خود را عملیاتی نمایند و حاصل آن نه تنها موجب پیشرفت تکنولوژی و توسعه مهارت و شغل بلکه زمینه ساز رونق اقتصادی و توسعه اجتماعی شده اند. افزایش اهمیت اشتغال و حفظ و توسعه شغل، موجب توجه سیاستگذاران و مدیران دنیا به اهمیت ارائه آموزشهای کارآفرینی و پرورش افراد کارآفرین شده است. در کشور ما نیز چند سالی است که به موضوع کارآفرینی توجه خاص شده و دستگاههای متعدد دولتی و غیر دولتی به آموزش دوره های کارآفرینی در مقاطع و سطوح مختلف به شکل های رسمی و غیر رسمی و البته بدون استفاده از مدل/الگویی جامع و بومی شده، پرداخته اند که بیشتر اندیشمندان حوزه کارآفرینی از اثربخشی این دوره رضایت و اطمینان چندانی ندارند. KAB<sup>۲</sup> الگوی جامعی از آموزش کارآفرینی است که بطورویژه جهت مهارت آموزان و مهارت آموختگان فنی و حرفه ای و سایر فارغ التحصیلان نظام آموزش رسمی که با یک شاخه تکنولوژی یا مهارتی آشنایی کافی داشته باشند توسط مرکز آموزش های بین المللی تورین ایتالیا ITC طراحی و در بیش از 26 کشور جهان از جمله ایران بومی و پیاده شده است. آنان در تسریع توسعه کشورهای در حال توسعه و در تجدید حیات کشورهای صنعتی مورد توجه بوده اند. جامعه ما نیز با مسأله افزایش تعداد بیکاران مواجه می باشد و اگر با این پدیده از ابتدا و بصورت ریشه ای مقابله نگردد بحران های بزرگ و غیرقابل جبرانی ایجاد خواهد شد. هوارد<sup>۳</sup> (2004) در شرایط کنونی اقتصاد ایران که با مشکلاتی نظیر بیکاری، کم کاری به ویژه در بین دانش آموختگان دانشگاه ها، جوانان و کم بودن رشد اقتصادی روبرو است. یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف بویژه آموزش عالی تربیت افراد خلاق و کارآفرین می باشد. توانمندی های عملی افراد برای ایجاد تحول در بخش های اقتصادی کشور نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند می باشد که آموزش عالی در رسیدن به این مهم از کارایی چندانی برخوردار نبوده است. در این ارتباط آموزش های فنی و حرفه ای کشور به قصد ارتقای دانش افراد و ایجاد مهارتهای لازم و به فعلیت درآوردن استعدادهای نهفته در ایشان تعلیم داده می شود و کارآموختگان برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار در مشاغل گوناگون آماده می کند و توانایی آنان را برای انجام کاری که به آنان محول شده است تا سطح مطلوب افزایش می بخشد. با سرمایه گذاری های عظیم انجام شده در آموزش به خصوص عمری که جوانان صرف تحصیل می کنند، چرا دانش کسب شده در عمل کاربرد چندانی ندارد؟ آیا می توان گفت دانش کسب شده بی ارزش است و یا علت را باید در جای دیگری جستجو کرد؟ اولین گزینه که به ذهن می رسد فقدان قابلیت های کارآفرینی افراد است. دانش آموختگان نمی توانند دانش ذخیره شده را به کار گیرند، زیرا قابلیت های لازم برای کاربرد دانش که همان کارآفرینی است در آنها ایجاد نشده است. دانشگاه به عنوان تولید کننده دانش، نه تنها باید به کاربرد فکر کند، بلکه اولویت تولید دانش را بر مبنای کاربردهای عملی و نیاز جامعه تنظیم نماید. کارآفرینی دانشگاهی شکاف بین دانش و عمل را کاهش می دهد. (وارما<sup>۴</sup>، 2000)

## مروری بر ادبیات و پیشینه و ضرورت تحقیق

1. Jones, T

2. Business About Know

3. Howard

4. Varma

با توجه به اهمیت موضوع، تحقیقات زیادی در زمینه نقش آموزشهای مهارتی و اشتغال زایی در جوانان با رویکردی نوین و با به کارگیری مدل آموزش کار آفرینی KAB و مقایسه با مدل توسعه کارآفرینی بین کارآموختگان و دانش آموختگان کارآفرین و غیر کارآفرین در کشورهای مختلف انجام شده است. سازمان ملل، اتحادیه ی اروپا و کشورهای مختلف بارها بیانیه هایی مبنی بر اهمیت آموزش برای جوامع کارآفرینانه منتشر نمودند. بیانیه ی شماره ی 189 سازمان بین المللی کار در سال 1998 به کارآفرینی به عنوان روشی جهت ارتقاء فرهنگ مثبت در ایجاد شرکت های کسب و کار اشاره نموده است. بعلاوه، برنامه ی "اهداف توسعه جهانی" که در سال 2000 اتخاذ گردید به مشکل بیکاری بالای جوانان و چالش ایجاد اشتغال برای آنان به ویژه در کشورهای در حال توسعه با حدود 50 درصد جوان زیر 25 سال اشاره می کند. به منظور ارتقاء فعالانه ی اشتغال جوانان، "شبکه ی اشتغال جوانان" متشکل از دبیرخانه ی سازمان ملل، بانک جهانی و سازمان بین المللی کار توسط دبیر کل سازمان ملل آغاز به کار کرد و سازمان بین المللی کار در جهت ایجاد اشتغال مناسب، دستور جلسه ای با عنوان "توسعه ی کارآفرینی جوانان" به این دبیرخانه ارائه نمود. بین سالهای 2000 تا 2004، چندین کشور KAB را در برنامه های آموزشی خود گنجانده اند. تجربه ی به کارگیری و تقاضای روزافزون برای معرفی و اجرای آن در بقیه ی کشورها، ما را بر آن داشت تا بسته ی مربوطه را مورد بازبینی قرار دهیم و آنرا به روز کنیم به طوریکه با نیازهای جهان همیشه در حال تغییر، سازگاری بیشتری داشته باشد.، آشنایی با کارآفرینی در مقطع دبیرستان و دوره های آموزش فنی و حرفه ای، زمینه های را برای فراگیر در حوزه خود اشتغالی در زمانی که امکان دسترسی به اشتغال با دستمزد رسمی وجود ندارد، میسر می سازد و حتی ممکن است به تشویق پسران و دختران جوان برای راه اندازی مشاغل کوچک منجر شود، اگر افراد هر جامعه با استفاده از ابزارهای خود اشتغالی و تشکیل مشاغل کوچک اقدام کنند، در این صورت میزان بیکاری بسیار کاهش می یابد. در این راستا بنگاه های کوچک و متوسط از ظرفیت قابل توجهی برخوردارند. (مقیمی در بیشتر کشورهای دنیا، بنگاه های کوچک و متوسط برای بالغ بر 60٪ از مشاغل غیر کشاورزی و رسمی اختصاص یافته است. با این وجود بیشتر قریب به اتفاق مشاغلی که در طول 10 سال اخیر در اروپا و امریکا ایجاد شده است عمدتاً ماهیت بنگاه های کوچک و متوسط داشته اند. در اتحادیه اروپا 98٪ از کل بنگاه های کسب و کار را بنگاه های کوچک و متوسط ها تشکیل می دهند. ایجاد شغل به آغاز و گسترش مشاغل کوچک بستگی دارد، ایده های جدید در ذهن کارآفرینان جرقه زده و محصول و خدمات جدیدی که منجر به مشاغل جدید می شود، توسعه می یابد. بیشتر برنامه های توسعه ی اقتصادی برای تشویق فرصت های جدید کسب و کار تدوین می شوند، با این حال هزاران شرکت کوچک و ناشناس با استخدام کمتر از 20 نفر در حال فعالیت هستند که غالباً در نقاط شهری و بخش عمده ای نیز در حوزه های روستایی فعالیت های چشمگیری دارند. بعد هم رشد اقتصادی در کشورها، افرادی هستند که تغییرات را افزایش و فعالیت های توسعه ای را آغاز می کنند، که تحت عنوان کارآفرین در جامعه معروف اند زیرا توانایی تعیین نیازهای محیطی خود را دارند و برای پاسخگویی به نیازها، منابع مناسب را گردآوری و اقدام لازم را انجام می دهند. فعالیت های بیشتر کارآفرینان رویکرد جامعه و کار است. براون<sup>1</sup> آموزش کارآفرینی برای جوانان را سرمایه گذاری برای آینده می داند که تجربیات مثبتی را به آنان معرفی می کند تا در آینده بتوانند تصمیمات مناسب تری درباره اشتغال خود اتخاذ کنند (وسپر، 1993)<sup>2</sup> معتقد است احتمال شکست کارآفرینانی که فقط تجربه دارند و آموزش لازم را ندیده اند زیاد است. بر عکس کارآفرینانی که هم تجربه دارند و هم آموزش دیده اند کاملاً موفق هستند. (مک بناتین و هال<sup>3</sup>، 2003) نشان داد که بین کارآفرینی و دوره های آموزش مهارتهای فردی، انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، نیاز به موفقیت و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد. مطالعات (وارما<sup>4</sup>، 2000) نشان می دهد

1 . Brown

2 . Vasper, K.H

3 . Mack Bannatyne & Hall

4 . Varma

که کشورهایی که نیروی کار ماهر دارند و سیاست رشد را انتخاب کرده اند، سرمایه گذاری آنها در توسعه مهارت ها، به افزایش اشتغال کمک کرده است. شواهد نشان می دهد افزایش آموزش های صحیح می تواند بیکاری را کاهش دهد. همچنین آموزش های علمی کاربردی ریسک انفجار بیکاری زنان و جوانان بی شغل، بیکاری تمام وقت افراد کم مهارت و ناتوان را کاهش می دهد. در پژوهش دیگر که (سانکین و پابلو<sup>۱</sup>، 1992) انجام داند، مشخص گردید که بین نوآوری، ریسک پذیری و نیاز به موفقیت کارآفرینان و غیر کارآفرینان تفاوت دارد، ولی بین دو گروه زنان و مردان کارآفرین تفاوتی مشاهده نشد. مطالعه ای توسط (آدامس<sup>۲</sup>، 1992) در کره جنوبی، مالزی، تایلند، هند، بنگلادش و آمریکای لاتین انجام شده است، یافته های کلی این مطالعات حاکی از آن است که آموزش ارتباط مستقیمی با توانمندی شغلی و تولیدی دارد. در بررسی (اسنل<sup>۳</sup>، 2003) عنوان شد، هنگامی که مدیران مراکز آموزشی کارآفرین باشند مراکز اصلاح می گردد، همچنین با استناد به پژوهش همه ساله هزاران نفر از افرادی که فارغ التحصیل می شوند فاقدمهارت لازم برای ورود به بازار کار هستند. در تحقیقی که (ریسال<sup>۴</sup>، 1992) انجام داد چنین عنوان کرد که آموزش تخصصی کارآفرینی مهارت را در دانشجویان افزایش می دهند و برای توسعه کارآفرینی اگر برای افراد با انگیزه شرایط مهیا باشد و آنها فرصت و امکانات مورد نیاز را به دست آورند می توانند کارآفرین شوند و ثمرات مطلوبی را برای سازمان به دنبال داشته باشد. (کیربی<sup>۵</sup>، 2006) عنوان می کند که فاکتورهای سازمانی، به دلیل ماهیت غیربناگهی دانشگاه ها و ماهیت ذاتی آموزشی آنان به عنوان یک محدودیت بسیار مهم در کارآفرینی دانشگاهی مطرح هستند. (هووارد<sup>۶</sup>، 2004) در پژوهشی تاثیر توسعه قابلیت های کارآفرینی (استقلال طلبی، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی و اعتماد به نفس و جسارت خلاقیت) را بر کارآفرینی 450 نفر بررسی کرد و نتیجه گرفت که رابطه مستقیمی بین این ویژگی ها و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد عمده ترین دلایل بیکاری و عدم اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی و جوانان کارآموخته: مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران در آذر ماه 1384 عمده ترین دلایل بیکاری و عدم اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی را به شرح ذیل بیان می کند: 1. عدم تناسب بین رشد فارغ التحصیلان دانشگاهی و جوانان کارآموخته با رشد ایجاد فرصت های شغلی. 2. پایین بودن رشد فرصت های شغلی مناسب و برخوردار از قابلیت های لازم برای بکارگیری دانش آموختگان دانشگاهی و جوانان کارآموخته. 3. عدم تناسب بین آموخته های علمی دانش آموختگان در دانشگاه ها و جوانان کارآموخته و مهارت های ادراکی و تجربی مورد نیاز فعالیت های اقتصادی. 4. عدم برخوردار از نظام آموزش عالی از یک سیستم فراگیر توسعه فرهنگ کارآفرینی در میان دانش آموختگان دانشگاهی. (حداقل تا سال 80). 5. عدم آشنایی مقامات و مسئولین ارشد مراکز دانشگاهی با اهمیت توسعه روحیه و گسترش صفات کارآفرینی در میان دانش آموختگان دانشگاهی و جوانان کارآموخته. 6. پایین بودن سطح مهارت های علمی دانش آموختگان و کارآموختگان. 7. فقدان مراکز مهم پرورش کارآفرینان از میان دانش آموختگان دانشگاهی و جوانان کارآموخته تا قبل از سال 80 در کشور. 8. عدم حمایت کافی از مراکز کارآفرینی دانشگاهی و مراکز آموزشی فنی و حرفه ای در کشور لازم به توضیح می باشد که: الف) در برزیل از هر 20 نفر شروع کننده کسب و کار کارآفرینی، یک نفر فارغ التحصیل دانشگاهی می باشد که در مراکز کارآفرینی دانشگاه های این کشور دوره های ویژه و مشاوره های لازم را برای شروع کسب و کار دریافت کرده است. ب) در هندوستان در تمام دانشگاه های دولتی این کشور بالغ بر 2950 مرکز توسعه کارآفرینی و مراکز رشد فعالیت های کارآفرینی وجود دارد. ج) در آمریکا از هر 10 شروع کننده فعالیت های اقتصادی با استفاده از فن آوری های پیشرفته، 1 نفر دانش آموخته دانشگاهی دارد که در

---

1. Sitkin & Pablo

2. Adamse

3. Snell

4- Rissal

5. Kirby

6. Howard

مراکز کارآفرینی دانشگاه آموزش‌ها و مهارت‌های لازم را فراگرفته‌است. د) در مالزی وزارت کارآفرینی و جوانان مسئولیت ارشد هدایت و تامین تجهیزات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مراکز توسعه کارآفرینی در مراکز علمی را بعهده دارد. 9. عدم حمایت سیاست‌ها و قوانین خاص حمایت از دانش‌آموختگان دانشگاهی و کارآموختگان مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای در مسایل مالی، سرمایه‌گذاری، فنی، تکنولوژیکی و امور مشاوره‌ای که قصد راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی را دارند. با بررسی تحقیقات بدست آمده نتایج حاکی از این است بررسی نقش آموزش‌های مهارتی و اشتغال‌زایی در جوانان با رویکردی نوین و با به کارگیری مدل آموزش کارآفرینی KAB و مقایسه با مدل توسعه کارآفرینی متفاوت است. از این رو در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا نقش آموزش‌های مهارتی و اشتغال‌زایی در کارآفرینی KAB بین کارآموختگان و دانش‌آموختگان کارآفرین و غیر کارآفرین مورد بررسی قرارگیرد.

بر این اساس فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرضیه اصلی پژوهش این است که " بین نقش آموزش‌های مهارتی و اشتغال‌زایی با رویکردی نوین در جوانان با استفاده از مدل آموزش کارآفرینی KAB و مقایسه با مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد." فرضیه‌های فرعی پژوهش به شرح زیر تعیین شده است :

- 1- بین نقش آموزش‌های مهارتی در ابتکار عمل جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد.
- 2- بین نقش آموزش‌های مهارتی در ابتکار عمل جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با و مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد.
- 3- بین نقش آموزش‌های مهارتی در ریسک‌پذیری جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد.
- 4- بین نقش آموزش‌های مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد.
- 5- بین نقش آموزش‌های مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد.

## روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی است و روش آماری در این پژوهش پیمایشی که به موضوع نقش آموزش‌های مهارتی و اشتغال‌زایی با استفاده از مدل آموزش کارآفرینی KAB و مقایسه با مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی می‌پردازد و همچنین پژوهش حاضر از نوع کاربردی می‌باشد. جهت بالا بردن اعتبار تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. جامعه آماری مورد نظر کلیه جوانان، دانش

آموختگان دانشگاهی و کارآموختگان کارآفرین و غیرکارآفرین مراکز آموزش فنی و حرفه ای شهرستان اراک بوده شامل 120 نفر بوده، که از این تعداد براساس فرمول محاسبه حجم نمونه کرجسی و مورگان (1970) تعداد 92 نفر به عنوان جامعه نمونه انتخاب شده اند. در تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق از شیوه های توصیف آماری از قبیل: جداول توزیع فراوانی، شاخصهای مرکزی و شاخصهای پراکندگی و در بخش استنباطهای آماری از روش آزمون میانگین رتبه ای خی دو و کای مربع برای بررسی فرضیات تحقیق استفاده شده است. در این تحقیق ابزار جمع آوری داده ها شامل یک پرسشنامه محقق ساخته می باشد که دارای 24 سوال که کلیه سئوالات و گویه های مرتبط در طول یک طیف 5 قسمتی از نوع لیکرت ارزش گذاری شده اند. برای سنجش میزان روایی طرح پرسشهای مطرح شده، پرسشنامه در اختیار چند نفر از اساتید فن گذاشته شدند با جمع بندی نظرات آنان سئوالات انتخاب شده، ویرایش گردیده و قابلیت اجرا را کسب نمودند. برای تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر پرسشنامه ها در بین 30 نفر از آزمودنی ها اجرا گردید و پایایی پرسشنامه 0/83 درصد از طریق تکنیک آلفای کرونباخ بدست آمد. برای توصیف صفات کیفی به محاسبه درصد و توزیع فراوانی و درصد تجمعی، برای توصیف صفات کمی به محاسبه شاخص های مرکزی و پراکندگی (میانگین، انحراف استاندارد، خطای معیار میانگین، دامنه تغییرات) از نرم افزار SPSS پرداخته شد و برای تعیین نرمال بودن از آزمون های تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون میانگین رتبه ای خی دو،  $X^2$  استفاده شد.

### یافته های تحقیق

فرضیه فرعی 1: بین نقش آموزشهای مهارتی در ابتکار عمل جوانان، دانش آموختگان، کار آموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول 1: در صد پاسخ در مورد تاثیر آموزشهای مهارتی در ابتکار عمل جوانان، دانش آموختگان، کار آموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان

سوال	بعد 2	درصد
1	آموزشهای مهارتی در ابتکار عمل جوانان، دانش آموختگان، کار آموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB	61.3
2	آموزشهای مهارتی در ابتکار عمل جوانان، دانش آموختگان، کار آموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی	58.1

جدول 2: در صد پاسخ زیاد و خیلی زیاد در مورد آموزشهای مهارتی در ابتکار عمل جوانان، دانش آموختگان، کار آموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان

سئوالات	میانگین نظرات		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
1	3.68	3	0	0	0	0	36	61.3	39	31.94	15	12.1
2	3.68	3	0	0	14.13	15	42	58.01	30	22.26	6	4.123

										جوانان، دانش‌آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی
--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

با توجه به درصد های به دست آمده در جدول 2 مشاهده می شود که حدود 61.3 در صد جامعه آماری عقیده دارند که آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB در ابتکارعمل جوانان، دانش‌آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان 58.01 در صد جامعه آماری عقیده دارند که آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی خوشه ای توسعه کارآفرینی در ابتکارعمل جوانان، دانش‌آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است.

برای این فرضیه فرعی 1 می توان فرضیه آماری زیر را در نظر گرفت:

$$\begin{cases}
 H_0: Mean \leq 3 \\
 H_1: Mean > 3
 \end{cases}$$

$H_0$ : آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در ابتکارعمل جوانان، دانش‌آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است  
 $H_1$ : آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در ابتکارعمل جوانان، دانش‌آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر نیست

برای تعیین اولویت و اهمیت هر یک از ابعاد پیش بینی از نظر پاسخ دهندگان، از آزمون میانگین رتبه ای خی دو استفاده شده است.

جدول 3: الویت بندی ابعاد پیش بینی

ردیف	بعد2	میانگین رتبه ای
1	آموزشهای مهارتی در ابتکارعمل جوانان، دانش‌آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB	4.39
2	آموزشهای مهارتی در ابتکارعمل جوانان، دانش‌آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی	3.74

با توجه به جدول 3 از نظر مخاطبان " آموزشهای مهارتی در ابتکارعمل جوانان، دانش‌آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB" دارای اهمیت اول و " آموزشهای مهارتی در ابتکارعمل جوانان، دانش‌آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی" دارای اهمیت دوم است.

با توجه به اینکه میانگین نظرات ما عدد 3.68 می باشد که از 3 بزرگتر است نتیجه می گیریم  $H_1$  برقرار است و آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در ابتکارعمل جوانان، دانش‌آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است.

فرضیه فرعی 2 : بین نقش آموزشهای مهارتی در ریسک پذیری جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان رابطه معناداری وجود دارد.



جدول 4: در صد پاسخ درمورد تاثیر آموزشهای مهارتی در ریسک پذیری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان

سوال	بعد 2	درصد
1	آموزشهای مهارتی در ریسک پذیری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB	58.1
2	آموزشهای مهارتی در ریسک پذیری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی	38.07

جدول 5: در صد پاسخ زیاد و خیلی زیاد در مورد آموزشهای مهارتی در ریسک پذیری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان

سوال	میانگین نظرات		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
1	3.226	3	0	0	38.71	36	41.94	39	16.13	15	3.22	3
2	0	0	16.13	15	45.16	42	32.26	30	6.452	6	3.22	3

با توجه به درصد های به دست آمده در جدول 5 مشاهده می شود که حدود 38.71 در صد جامعه آماری عقیده دارند که آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB در ریسک پذیری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان 45.16 در صد جامعه آماری عقیده دارند که آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی خوشه ای توسعه کارآفرینی در ریسک پذیری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است برای این فرضیه فرعی 2 می توان فرضیه آماری زیر را در نظر گرفت:

$H_0$ : آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در ریسک پذیری

جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است  
 $H_0 : Mean \leq 3$

$H_1 : Mean > 3$

$H_1$ : آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در ریسک پذیری

جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر نیست

برای تعیین اولویت و اهمیت هر یک از ابعاد پیش بینی از نظر پاسخ دهندگان، آزمون میانگین رتبه ای خی دو استفاده شده است.

جدول 6: الویت بندی ابعاد پیش بینی

ردیف	بعد 2	میانگین رتبه ای
1	آموزش‌های مهارتی در ریسک‌پذیری جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB	3.68
2	آموزش‌های مهارتی در ریسک‌پذیری جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی	3.45

با توجه به جدول 6 از نظر مخاطبان "آموزش‌های مهارتی در ریسک‌پذیری جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB" دارای اهمیت اول و "آموزش‌های مهارتی در ریسک‌پذیری جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی" دارای اهمیت دوم است.

با توجه به اینکه میانگین نظرات ما عدد 3.22 می‌باشد که از 3 بزرگتر است نتیجه می‌گیریم  $H_1$  برقرار است و آموزش‌های مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی در ریسک‌پذیری جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است.

فرضیه فرعی 3: بین نقش آموزش‌های مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد.

**جدول 7: در صد پاسخ درمورد تاثیر نقش آموزش‌های مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان**

سوال	بعد 2	درصد
1	نقش آموزش‌های مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB	64.5
2	نقش آموزش‌های مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه‌ای توسعه کارآفرینی	67.7

**جدول 8: در صد پاسخ زیاد و خیلی زیاد در مورد آموزش‌های مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان**

ردیف	میانگین نظرات 3.81	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
1	آموزش‌های مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جوانان، دانش‌آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB	3.226	6	6.452	24	25.81	27	29.03	33	35.48	
2	آموزش‌های مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت	3.226	9	9.677	18	19.35	42	45.16	21	22.58	

										جووانان، دانش آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی
--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	---

با توجه به درصد های به دست آمده در جدول 8 مشاهده می شود که حدود 25.81 در صد جامعه آماری عقیده دارند که آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جووانان، دانش آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان 19.35 در صد جامعه آماری عقیده دارند که آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی خوشه ای توسعه کارآفرینی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جووانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است

برای این فرضیه فرعی 3 می توان فرضیه آماری زیر را در نظر گرفت:

$$\begin{cases}
 H_0: Mean \leq 3 \\
 H_1: Mean > 3
 \end{cases}$$

$H_0$ : آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جووانان، دانش آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است  
 $H_1$ : آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جووانان، دانش آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر نیست

برای تعیین اولویت و اهمیت هر یک از ابعاد پیش بینی از نظر پاسخ دهندگان، آزمون میانگین رتبه ای خی دو استفاده شده است.

جدول 9: الویت بندی ابعاد پیش بینی

ردیف	بعد 2	میانگین رتبه ای
1	آموزشهای مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جووانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB	3.87
2	آموزشهای مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جووانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی	3.84

با توجه به جدول 9 از نظر مخاطبان " آموزشهای مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جووانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB" دارای اهمیت اول و " آموزشهای مهارتی در درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جووانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی" دارای اهمیت دوم است.

با توجه به اینکه میانگین نظرات ما عدد 3.81 می باشد که از 3 بزرگتر است نتیجه می گیریم  $H_1$  برقرار است و آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در فرایند مستمر نوآوری و خلاقیت جووانان، دانش آموختگان ، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است.

فرضیه فرعی 4 : بین نقش آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی رابطه معناداری جود دارد.

**جدول 10 : در صد پاسخ در مورد تاثیر آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان**

سوال	بعد 2	درصد
4	آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل کارآفرینی KAB	51.6
2	آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای کارآفرینی	45.2

**جدول 11: در صد پاسخ زیاد و خیلی زیاد در مورد آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان**

ردیف	میانگین نظرات 3.63	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
1	آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB	6.452	6	15	16.13	24	25.81	24	25.81	24	25.81
2	آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی	3.226	3	15	16.13	33	35.48	27	29.03	15	16.13

با توجه به درصد های به دست آمده در جدول 8 مشاهده می شود که حدود 25.81 در صد جامعه آماری عقیده دارند که آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان 35.48 در صد جامعه آماری عقیده دارند که آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی خوشه ای توسعه کارآفرینی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است.

برای این فرضیه فرعی 4 می توان فرضیه آماری زیر را در نظر گرفت:

$$\begin{cases}
 H_0: \text{Mean} \leq 3 \\
 H_1: \text{Mean} > 3
 \end{cases}$$

$H_0$ : آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است.  
 $H_1$ : آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر نیست.

با توجه به اینکه میانگین نظرات ما عدد 3.631 می باشد که از 3 بزرگتر است نتیجه می گیریم  $H_1$  برقرار است و آموزشهای مهارتی با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان موثر است.

**جدول 12: الویت بندی ابعاد پیش بینی**

ردیف	بعد	میانگین رتبه ای
1	آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB	4.00
2	آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی	3.65

با توجه به جدول 12 از نظر مخاطبان "آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB" دارای اهمیت اول و "آموزشهای مهارتی در توانایی رهبری جوانان، دانش آموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی" دارای اهمیت دوم است.

برای الویت بندی کلی عوامل از نظر پاسخ دهندگان، ابتکار عمل، خلاقیت و درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری، ریسک پذیری و توانایی رهبری در جوانان، دانش آموختگان، کارآموختگان کارآفرینان و غیر کارآفرینان با مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی نیز از آزمون میانگین خی دو استفاده شد. نتایج در قالب جدول 9 ارائه شده است.

**جدول 13: میانگین رتبه ای کل مدل آموزش کارآفرینی KAB و مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی**

الویت	عامل	میانگین رتبه ای
1	دانش و مهارت آموزی کسب شده در عمل در مدل آموزش کارآفرینی KAB	4.39
1-1	دانش و مهارت آموزی کسب شده در عمل در مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی	3.74
2	ریسک پذیری در مدل آموزش کارآفرینی KAB	3.68
2-1	ریسک پذیری در مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی	3.45
3	خلاقیت و درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری در مدل آموزش کارآفرینی KAB	3.87
3-1	خلاقیت و درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری در مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی	3.84
4	توانایی رهبری در مدل آموزش کارآفرینی KAB	4.00

با توجه به جدول 13، از نظر مخاطبان " دانش و مهارت آموزی کسب شده در عمل در مدل آموزش کارآفرینی KAB " الویت اول و " توانایی رهبری در مدل آموزش کارآفرینی KAB " الویت دوم و " خلاقیت و درگیر شدن در فرایند مستمر نوآوری در مدل آموزش کارآفرینی KAB " الویت سوم و " ریسک پذیری در مدل آموزش کارآفرینی KAB " الویت آخر را در مراکز آموزش فنی و حرفه ای شهرستان اراک دارد.

### نتیجه گیری یافته های تحقیق

در نتیجه با توجه به نظر مخاطبان " دانش و مهارت آموزی کسب شده در عمل در مدل آموزش کارآفرینی KAB " دارای الویت اول و " دانش و مهارت آموزی کسب شده در عمل با مدل خوشه ای توسعه کارآفرینی " دارای اهمیت دوم در مراکز آموزش فنی و حرفه ای شهرستان اراک است.

### نتیجه گیری کلی

یکی از مهمترین اهداف توسعه اقتصادی (در شهر اراک) ایجاد اشتغال و مهمترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی است. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری و افزایش بهره‌وری افراد و منابع، و بالتبع افزایش درآمد مردم جامعه می‌گردد. همانگونه که در متن مقاله هم آمده است توسعه کارآفرینی و اشتغالزایی شهرستان اراک به عنوان آرمان ملی تمامی استان هاست. در این راستا، دسترسی به مراحل بالاتر توسعه کارآفرینی و اشتغالزایی شهر اراک و یا هر منطقه‌ای در درجه اول، نیازمند اندازه‌گیری و سنجش وضعیت موجود آن و مقایسه با استانداردهای مرتبط بوده، تا بتوان در مرحله بعد در راستای ارتقاء آن اندیشید و سعی و تلاش نمود. بر این اساس مطالب ارائه شده در مقاله حاضر می‌تواند به عنوان یک نقطه شروعی برای مطالعات و تحقیقات مرتبط با توسعه کارآفرینی و اشتغالزایی شهر اراک باشد که انشاءالله مورد استفاده محققان و کارشناسان دیگر و حمایت مدیران و دست‌اندرکاران کشور قرار خواهد گرفت. افزایش چشمگیر بیکاری بویژه در میان گروه‌های تحصیل کرده زنگ خطر را برای مقامات کشور به صدا در می‌آورد و از این رو ضروری است که برای حل این مشکل برنامه‌ریزی دقیق، فراگیر و درازمدت صورت گیرد. نتایج این تحقیق همخوانی دارد با نتایج (گیب و جنیفر<sup>1</sup>، 2004) کارآفرینی، یکی از این راه‌هایی است که شایسته است به عنوان اقدامی پایدار در جهت اشتغالزایی در اولویت قرار گیرد به گونه‌ای که مردم بویژه جوانان را چنان تربیت کند که توانایی اقدام و عمل مناسب همراه با انعطاف‌پذیری و پذیرش موقعیتهای شغلی ناامن و پیچیده را در بازار کار داشته‌باشند و بتوانند مشاغل تازه ای همراه با نوآوری و خطرپذیری شایسته ایجاد کنند. در این راستا آموزش های فنی و حرفه ای شهرستان اراک به قصد ارتقای دانش افراد و ایجاد مهارتهای لازم و به فعلیت درآوردن استعدادهای نهفته در ایشان تعلیم داده می‌شود و کارآمختگان برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار در مشاغل گوناگون آماده می‌کند و توانایی آنان را برای انجام کاری که به آنان محول شده است تا سطح مطلوب افزایش می‌بخشد.

### تشکر و قدردانی (Thanks)

از زحمات و همکاری روسا و کارشناسان محترم اداره کل و مراکز آموزش فنی و حرفه ای استان مرکزی، کمال تشکر و قدردانی رداشته، و از خداوند متعال آرزوی موفقیت و توفیق ایشان را خواستار است.

<sup>1</sup>. Gibb

## منابع

1-مقیمی، سید محمد و احمد پورداریانی، محمود (1387)، آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای

کوچک و متوسط ایران، توسعه کار آفرینی، پال اول، شماره اول، ص 205-243.

- Gibb, Jennifer., (2004), "generic skills in vocational education and training," Australia: National Center For Vocational Education Research.
- Howard, S., (2004), "Developing Entrepreneurial Potential in Youth: The Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation," University of South Florida Repot, pp 3-17.
- Jones, C., and English, J., (2005), "A contemporarg approach to entrepreneurship."
- Jones, T., (2005), "Entrepreneurship Education in American community colleges and University," London, Ashgate Publishing Limited.
- Mack Bannatyne, M. W., and Hall, R. A., (2003), "Technology and Vocational Educational Entrepreneurship Education," 1(1), pp 65-86.
- Moriano , J. A. L., and Gorgievski, M., (2007), "Psychology of entrepreneurship: Research and ducation.UNED".
- Postigo, S., (2002), "Entrepreneurship Education in Argentina: The Case of Sananders University," In Proceedings of the Conference Entitled.
- Rissal, R., (1992), "A Study of the Characteristics of Entrepreneurs in Indonesia," EDD Dissertation. U.S.A.: George Washington University.
- Sitkin, S. B., and Pablo, A. L., (1992), "Reconceptualizing the determinants of risk behavior. Academy of Management Review," 17(1), pp 9-38.
- Varma, P., (2000), "Technical and Vocational Education and Development. Development Express," No. 4.
- Vasper, K.H. (1993), Entrepreneurship education, 1993, Los angles: Entrepreneurial studies center, university of California at Los Angeles.